

سال دوم

جلسه ۳۴

سال تحصیلی ۹۰ - ۹۱

شنبه ۲۸ / ۸ / ۹۰

اقوال در بحث حروف

قول سوم

حرف و اسم
در معنا
با هم مختلف اند

قول دوم

بزرگسی نتند
حرفی نتند
هم معنا هستند

قول اول

بزرگسی نتند
حرفی نتند
دارای معنا نیستند

اقوال در بحث حروف

قول سوم

حرف و اسم
در معنا
با هم مختلف اند

نظریه اول:
نظریه مرحوم نائینی

اشکال مرحوم خوئی (۱)

ذهن ما حکم می کند که : «مفهوم زید» با «مفهوم قائم» متحد است

در اینجا : «ذهن»، ربط را بین این دو مفهوم ایجاد می کند.

در اینجا : «هیأت»، حکایت گر از این فعل نفس است

در «زید فی الدار» :

ذهن : بین «مفهوم زید» و «مفهوم دار» یک نحوه ارتباطی ایجاد می کند

«فی» : از آن «وجود رابط» در محیط ذهن، حکایت می کند

نکته
مهم

این تبیین با آنچه از مرحوم بجنوردی خواندیم نیز متفاوت است
ایشان می گوید: ذهن از ابتداء مفهوم بسیط «زید القائم» را پدید می آورد
و اشاره به «حکم نفس» و ایجاد این «ارتباط» نمی کنند

و این مطلب - اگر همان مطلب باشد که ایشان می فرماید - به معنای آن است که:
آنچه ما در ذهن داریم، «تصور» است = «تصدیق» در اذهان ما نیست

اشکال مرحوم خوئی (۲)

این فرمایش مرحوم نائینی، حرف درستی نیست!
«معانی اسمیه در حال استعمال، مغفول عنها نیستند و معانی حرفیه، مغفول عنها هستند»

تقریر کلام
ایشان

چراکه :

گاه معانی حرفیه، مورد لحاظ استقلالی قرار می گیرند
بلکه : چه بسا اکثراً همین معانی حرفیه، مورد لحاظ استقلالی هستند

اگر «نسبت» از معانی حرفیه است:
محال است مورد «لحاظ استقلالی» قرار گیرد

اشکال شده

اشکال مرحوم خوئی (۲)

«لحاظ آلی» داشتن با اینکه شیء «مراد بالذات» باشد، قابل جمع است و «لحاظ استقلالی» داشتن با «طریقیت» قابل جمع می باشد

دو برداشت از کلام مرحوم نائینی :

اگر : مراد از «مغفول عنها بودن حروف»، آن است که حروف «آلیت» دارند در این صورت : اشکال مرحوم خوئی وارد نیست
چراکه : می شود چیزی آلیت داشته باشد و مراد بالذات باشد

اگر : مراد از «مغفول عنها بودن حروف»، یعنی معنای حرفی «مورد غفلت» هستند در این صورت : اشکال مرحوم خوئی وارد است
چراکه : معنای آلی می تواند مورد غفلت نباشد و مطلوب بالذات باشد.

ما
می گوئیم

اشکال مرحوم خوئی (۲)

دو نتیجه گیری متفاوت :

اگر : مرحوم خوئی نتیجه بگیرند که:
«چون معنای حرفی مطلوب بالذات هستند، پس آلی هم نیستند»
= نتیجه غلطی است

اگر : بخواهند نتیجه بگیرند که:
«معنای حرفی علیرغم آنکه لحاظ آلی دارند، مطلوب بالذات هم می باشد»
= حرف ایشان کامل است

ما
می گوئیم

جمع بندی :

«حروف» با «معنای حرفی»، تفاوت دارند

یعنی :

- حروف حاکی از معانی حرفیه هستند
- معانی حرفیه نیز مفهوم ندارند = بلکه فعل نفس هستند.
- «فعل نفس» مفهوم غیر مستقل نیست

اشکال مرحوم عراقی (۱)

هیأت عارض بر «ماده» است (در ضارب)؛ پس از ماده متأخر است

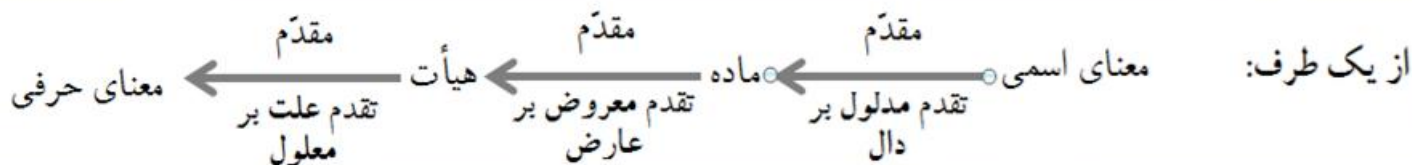
ماده بر معنای اسمی دلالت می کند و لذا ماده از معنای اسمی، متأخر است

پس: هیأت از ماده متأخر است و ماده از معنای اسمی، متأخر است
پس هیأت از معنای اسمی به دو رتبه متأخر است

از طرف دیگر: هیأت (معنای حرفی) معنایش را در معنای اسمی ایجاد می کند
پس معنای هیأت از خود هیأت متأخر است (از نوع تأخر معلول از علت)
پس: معنای حرفی از معنای اسمی به سه رتبه متأخر است.

از طرف دیگر: معنای حرفی مقوم معنای اسمی است؛
پس معنای حرفی هم در رتبه معنای اسمی است و هم سه رتبه متأخر است. این باطل است

اشکال مرحوم عراقی (۱)



از طرف دیگر: معنای اسمی و معنای حرفی، هم رتبه هستند چراکه: باید در یک زمان، با هم پدید آیند و اگر معنای حرفی نباشد، معنای اسمی «قوام» پیدا نمی کند.

ما حاصل فرمایش مرحوم عراقی

نکته:

هم رتبه بودن مقوم و مقوم، «زمانی» است در حالیکه تقدم های مطرح شده تقدم های «رتبی» است (مثل تقدم علت و معلول) لذا : این قسمت کلام ایشان، صحیح نیست
 لذا : بهتر است چنین گفته شود: (هرچند مرحوم عراقی چنین نگفته است)
 پس : معنای اسمی به «چهار» رتبه بر خودش، مقدم است

اشکال مرحوم عراقی (۱)

در جواب به مرحوم عراقی می توان گفت:
معنای حرفی، أصلاً مقوم معنای اسمی نیست.

بلکه : نهایتاً (طبق عقیده مرحوم نائینی) «موجد ربط با مفهوم اسمی دیگر» است.

پس : تمام آنچه مرحوم عراقی تقریر کرد، مبتنی بر این بود که معنای حرفی و معنای
اسمی، «مقوم» و «مقوم» باشند. در حالی که این مطلب مردود است

ما
می گوییم

به عبارت دیگر : طبق مبنای مرحوم نائینی - چنانکه خواندیم - هیأت معنایش را در معنای
اسمی ایجاد نمی کند بلکه «ربط» را ایجاد می کند